مدیریت شهری
شماره ۴۴ پاییز ۹۵
No.44 Automn 2016
۹۱-۱۰۶
زمان دریافت مقاله: ۱۳۹۴/۸/۱۲ زمان پذیرش نهایی: ۱۳۹۵/۴/۱

سنجش کیفی نور در فضاهای عبادی شهری با رویکرد معنویت بخشی به فضا؛ نمونه موردی: مساجد شبستانی دوره قاجاریه بازار شهر تبریز

بهرام احمدخانی ملکی*- دانشجوی دکتری معماری اسلامی، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر اسلامی، تبریز، ایران.
فرزین حق‌پرست- استادیار، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر اسلامی، تبریز، ایران.

چکیده
تاثیر نور در معماری اسلامی انکار ناشدنی است و از اهمیت وگستردگی معنایی زیادی برخوردار است و یکی از عوامل و مولفه های مهم در فضاسازی معنوی و روحانی مساجد می‌باشد. نور از عوامل موثر بر ارزش فضایی است که به عنوان غیرمادیترین عنصر محسوس طبیعت همواره در معماری ایرانی اسلامی وجود داشته و همواره حسی عرفانی به فضا به ویژه به فضاهای مذهبی میبخشد. در معماری گذشته ایران به کارگیری نور همراه با ظرافت های خاصی بود که ارتقای کیفی فضای معماری را سبب میشد. امروزه نگرش کمیتی و نادیده گرفته شدن جنبه های معنایی در طراحی اغلب فضاها موجب گشته تا طراحی نور به تأمین نور مورد نیاز برای فعالیت های فیزیکی تقلیل یابد. هدف از نگارش این مقاله، معرفی روش سنجش کیفی نور بر اساس اصول هفتگانه مستخرج از آیه نور میباشد. روش تحقیق حاضر به صورت توصیفی- تحلیلی بر مبنای استدلال منطقی بوده و بر اساس منابع کتابخانه‌ای و مشاهدات میدانی تهیه شده است. یافتههای اصلی تحقیق عبارتند از: الف) معرفی اصول کیفی نور منطبق بر آیه نور؛ ب) معرفی نمودهای عینی اصول کیفی نور در کالبد معماری فضاهای عبادی؛ ج) معرفی معیارهای ارزیابی نمودهای عینی اصول کیفی نور در فضاهای عبادی؛ د) معرفی نحوه استخراج اطلاعات جهت بررسی و شناخت نقاط ضعف و قوت نور در آفرینش فضای معنوی.
واژگان کلیدی: نور کیفی، فضای عبادی، فضای معنوی، مساجد قاجاریه تبریز.

Qualitative Daylight Measurement in the Urban Religious spaces with the Emphasis on Enhancing Spirituality in Place; A case study: SHABESTANI Mosques of Qajar Era in Tabriz Bazar

Abstract
The effect of light in Islamic architecture is very important. Its importance and spread is undeniable. It is an important factor in making mosque space spirituality heightened. Light is one of the affecting parameters on the value of space as the most non-material sensible element of nature which is always present in Iranian Islamic architecture. It always creates a mystical atmosphere in the place, especially religious places. In the past Iranian architecture, the application of light always comes with special elegance which improves the quality of the atmosphere of the architecture. Today, the attitude of the quantification and semantic aspects being ignored in the design of spaces often has caused to design light to provide the light needed for the reduction of physical activity. The purpose of writing this article is the introduction of quality assessment methods based on the seven principles of the light from the verse of light of the holy QURAN. The present research methods for logical argument based on analytical descriptive and based on the field observations and library resources; The main findings of the research are as follows: a) introduction of qualitative principles of the light based on the verse of light, b) introduction of qualitative principles of the light in architectural body of religious spaces, c) introduction of objective and qualitative principles of light in religious spaces, d) introduction of the information extraction method for investigation and understanding of strength and weaknesses of the light in creation of spiritual spaces.
Keywords: Qualitative light, religious space, spiritual space, Tabriz mosque of QAJAR era.

* نویسنده مسئول مکاتبات، شماره تماس: ۰۹۱۴۴۰۱۱۷۱۵، رایانامه: b.ahmadkhani@tabriziau.ac.ir

این مقاله برگرفته از پایان‌نامه دکتری معماری اسلامی با عنوان «مقام نور؛ ارزیابی کمی و کیفی نور(روز) در مساجد تاریخی تبریز با رویکرد معنویت بخشی به فضا» می‌باشد که توسط نگارنده اول و با راهنمایی نگارنده دوم در دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه هنر اسلامی تبریز در حال انجام است.

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-19]

مقدمه

همیشـه هنگامـی کـه از بعد قدسـی و کیفیـت معنوی فضـا سـخن به میـان می‌آیـد، شـاید هیچ پدیـده‌ای به نزدیکـی از حیـث خصوصیـات چـون نـور و روشـنی، بـا آن مشـابهت نداشـته باشـد. «نـور» از مهمتریـن عناصرتشـکیل‌دهنده فضایـی بـه شـمار می‌آیـد کـه عـلاوه برپویایی و روشـنایی درفضای معمـاری می‌توان بـه احساسـات معنـوی و باطنـی آن در «فضـای عبادتـگاه» اشـاره نمـود. یکـی از عوامل عمـده در افکار انسـان شـرقی رسـیدن بـه کمال تقـرب الهی و توسـل بـه خداوند متعال اسـت که نـور یکی از ارزشـمندترین موهبت‌هـای خـدادادی و یکی از عوامل موثـر بر ارزش فضایـی ایـن مـکان مقدس اسـت کـه در خـور تحقیق اسـت. در ایـن تحقیـق سـعی شـده اسـت کـه ضمـن اسـتخراج اصـول کیفـی نـور از آیه نـور (آیه ۳۵ سـوره مبارکـه نـور)، معیارهـای ارزیابـی نـور در چگونگـی آفرینـش فضـای معنوی را تدویـن نمود. بـا تدوین این روش، طراحـان می‌تواننـد در رونـد طراحـی معمـاری فضاهـای عبـادی، نسـبت بـه تنظیـم و بهینه‌سـازی نقـش نـور (روز) اقـدام نماینـد و فراتـر از آن می‌تـوان نقـاط ضعـف، نقـش کیفـی نـور در فضاهـای عبـادی معاصـر (و حتـی تاریخـی) را شناسـایی و نسـبت بـه مرتفـع سـاختن آنها اقـدام نمـود. امید آن کـه اصول و معیارهای معرفی شـده، چشـم‌اندازی جامـع از مفاهیم عالـی حضـور کیفـی نـور در جهـت ایجـاد فضاهایـی منطبـق با نیازهـای معنوی، فـرا راه انسـان معاصر قرار دهد.

۱. فرآیند پژوهش

الـف) هـدف پژوهش: هـدف تحقیـق حاضـر عبارت اسـت از: معرفـی روش سـنجش و ارزیابـی کیفـی نـور(روز) در فرآینـد آفرینـش فضـای معنـوی.

ب)سـوالات پژوهـش: الـف) نـور(روز) بـا چـه اصولـی می‌توانـد نسـبت بـه تغییـر مشـخصات کیفـی فضـا و تبدیـل آن بـه مـکان مقدس عمـل نمایـد؟ ب) چگونه می‌تـوان نسـبت بـه ارزیابـی و سـنجش کیفـی نقـش نـور(روز) در معنویـت بخشـی بـه فضـای عبـادی عمل نمود؟

ج) روش پژوهش

روش تحقیـق، موردپژوهـی بـا اسـتفاده از راهکارهـای ترکیبـی اسـت کـه بـرای انجـام آن از تکنیک‌هـای تحلیلـی توصیفـی اسـتفاده می‌شـود. روش جمع‌آوری اطلاعـات مراجعـه بـه منابـع مکتـوب و کتابخانـه‌ای، همزمـان بـا مطالعـه میدانـی با مراجعـه بـه نمونه‌های مـوردی اسـت. فرآینـد تحقیق حاضر به صـورت نمودار (۱) می‌باشـد.

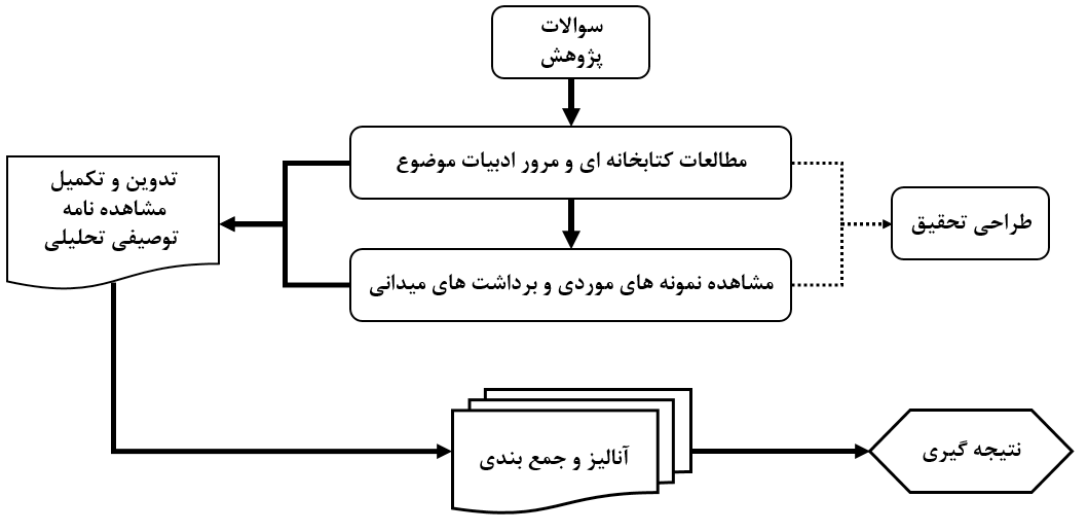
۲.ادبیات موضوع

الف)جایگاه نور در فرهنگ و معماری ایرانی اسلامی

بنیـاد هسـتی و بزرگتریـن حقیقـت عالـم را در نـور میتـوان یافـت. حضـور نـور در آثـار معمـاری، در طول دوره‌هـای مختلـف تاریخـی (پیـش از اسـلام و پـس از ورود آن بـه ایـران) چـه از جنبـه عملکـردی نـور کـه عاملـی بـرای روشـنایی و حیات‌بخشـی در فعالیت‌های روزانـه بـوده اسـت و چـه از جهـت اهمیـت آن در مباحـث اعتقادی ادیـان، همواره مورد توجه و اسـتفاده فـراوان بـوده اسـت. قرنهاسـت کـه عارفان در سـتایش نـور در مقام جوهری معنوی سـرودها خوانده و شـعرها سـروده‌اند. انگیـزه روی کـردن به سـوی نـور و فروغ در هنـگام پرسـتش خداوند در آیین زردشـتی به روشـنی در این سـخن آشوزردشـت هویداسـت: «چـون خداوند یـا نـور کل بـه دیـده ظاهـری ما دیـده نمی‌شـود، پس بایـد بـا دیـده ظاهربیـن رو بـه سـوی انـوار صـوری یا ظاهـری نمـوده و از ایـن راه وجـدان معنـی بیـن را بـه سـوی نـور معنـوی یعنـی اهورامـزدا راهنمایـی کـرد» (اوشـیدری، ۱۳۷۹، ص ۲۵).

فرهنـگ اسـلام، مفهـوم اصیلـی از نـور ارایـه می‌دهـد کـه بـا تاویـل عالمانـه و در سـایه ژرف‌نگـری قابلیـت رمزگشـایی دارد. واژه نـور و متعلقـات آن چهل‌ونـه بـار در قـرآن ذکـر شـده اسـت و در معانـی مختلفـی چون ایمـان، یقیـن، پاکـی، رحمـت، هدایت‌گـری، قداسـت، نـور عقـل کـه ظلمـت جهـل را ویـران می‌کنـد و ... آمـده اسـت. در آیـه ۳۵ سـوره نـور «الله نور السـموات و الارض... «کـه کامل‌تریـن آیـه نـوری قرآن محسـوب

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-19]



نمودار ۱. فرایند پژوهش؛ ماخذ: نگارندگان.

می‌شود؛ مراد از نور، نوری است که حقیقتاً اسم نور به آن اطلاق می‌شود (سهروردی، ۱۳۸۳، ص ۳۶۵): نوری حقیقی و بسیط که اولاً به خودی خود روشن است. ثانیاً، روشنی‌بخش است و غیر خود را آشکار می‌کند یعنی «الظاهر بذاته و المظهر لغیره هو النور» (سهروردی، ۱۳۷۵، ج۲، صص ۱۱۴-۱۱۳).

از این رو اطلاق نور به ذات مقدس خداوند، حقیقی است و به سایر انوار، نور مجازی اطلاق می‌شود؛ و بدین سان است که تجلی ذات مقدس خداوند، نور است؛ زیرا اگر تجلی، عَرَض باشد و بر نور اضافه شده باشد لازم می‌آید که نور فی نفسه قابل رویت نباشد و خود به وسیله چیز دیگر که فی نفسه قابل رویت است، دیده شود (لاهوری، ۱۳۸۰، ص ۱۰۰). اولین جایگاه تجلی هنر ایرانی و اسامی، در معماری مساجد است که فضا و مکانی برای ارتباط نورالنوار می‌باشد (بمانیان، عالی‌نسب، ۱۳۹۰، ص ۵۴۳). معماران در ساختن مساجد که نماد معماری مذهبی به شمار می‌رود علاوه بر استفادهٔ مادی از نور، مفهوم نمادی اعتقادی آن را نیز لحاظ کرده‌اند (کشمیری و دیگران، ۱۳۹۲، ص ۱۱).

ب) اصول کیفی نور مستخرج از آیه نور

آیه نور، آیه ۳۵ سوره نور است. ابتدای آیه، با جمله «الله نور السماوات والارض» آغاز شده است. سوره مبارکه نور را به دلیل وجود همین آیه، «سوره نور» نام نهاده‌اند. این آیه کریمه از نظر تفسیر، یکی از آیات مشکل قرآن مجید است. به ویژه قرآن کریم در پایان همین آیه جمله‌ای ذکر می‌کند که نشان می‌دهد این آیه بسیار قابل تدبر و تامل است. و هرکسی به اندازه ظرفیت خود چیزی از این آیه کریمه می‌فهمد. چون بعد از ذکر مثل در پایان می‌فرماید: «و یضرب الله الامثال للناس» خدا مثلها را برای مردم ذکر می‌کند. در بعضی آیات دیگر می‌فرماید: «خدا مثلها را برای مردم ذکر می‌کند ولی به عمق این مثلها نمی‌رسند مگر عالمان.» این نشان می‌دهد که مثلهای قرآن عمق‌هایی دارد که هرکس نمی‌تواند ادعا کند که به عمق آنها رسیده است.

مسئلهٔ اساسی در این مقاله چگونگی واکاوی آیهٔ مبارکهٔ نور و وصول به مفهوم حقیقی تمثیل های موجود در آن، از رهگذر تأویل فلسفی عرفانی ملاصدراست. صدرالمتألهین شیرازی در تبیین دقیق آیات و مفاهیم قرآنی و راهیابی به تأویل صحیح آیات مباحث مهمی را به شیوهٔ فلسفی و اشراقی و عرفانی و فراتر از اندیشهٔ مفسران قرآن و متکلمان و

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-19]

حتی فیلسوفان و عارفان مطرح می‌کند. ملاصدرا در روش تفسیری خود بر این باور است که باید با حفظ ظاهر به معنای نهفته در پس واژگان قرآنی پی‌برد. بنابراین، بر مفسر است که از معانی ظاهری آغاز کند و پس از دریافت معانی ظاهری، با ترک حواس جسمانی و استمداد از حواس باطنی، روح انسانی به ملکوت عروج کند و از راه مکاشفه به معانی حقیقی زلال و بدون حجاب آیات قرآن نایل آید (صدرای شیرازی، ۱۳۸۶، ج۱، صص ۶۹-۶۸).

با توجه به نظر صدرا دربارهٔ تأویل، پرواضح است که وی باطن را متمم و مکمل ظاهر می‌شمارد، چراکه اگر ظاهر نبود، عبور به باطن و راه یافتن به حقایق بلند نهفته در پس واژگان قرآنی امکان پذیر نبود (همان، صص ۱۳۹-۱۳۶). به اذعان ملاصدرا، وی بر اساس روش تفسیری خویش ضمن قبول ظواهر آیه اسرار و رموز پنهان آن را جست‌وجوی می‌کند و به یاری مبانی فلسفی و مکاشفه و اشراق الهی حقایق آیه را آشکار می‌کند.

در آیهٔ نور، به اعتقاد نگارندگان، قرآن‌کریم درصدد بیان مسئله‌ای کلی است و آن این که هر فیضی که از جانب خداوند نازل می‌شود، دارای نظامی است؛ نظامی مشخص که سیر نزولی رحمت الهی را تعین بخشیده و بدان معنا می‌دهد؛ یعنی قرآن کریم درصدد بیان آن است که در هر سیر نزولی ناگزیر از نظامی هستیم و هر فیضی در قالب نظام متناسب با خود نازل می‌شود و سیر صعودی نیز با نظر و توجه به سیر نزولی است که معنا می‌یابد. با توجه به آن که خداوند در آیهٔ نور در مقام بیان اصلی کلی است، پس تأویل این آیه نیز باید به صورت کلی باشد و قابلیت پذیرش و انطباق بر فیوضات مختلف از نظام های متفاوت را داشته باشد. بر این اساس، نگارندگان اصولی را از متن آیه نور استخراج نموده است که آنها را اصول کیفی هفتگانه نور (روز) معرفی می‌نماید. با توجه به اینکه قرآن وابسته به مکان و زمان نیست لذا این اصول مستخرج نیز قابلیت تعمیمپذیری در هر زمان و مکانی را دارد.

نگارندگان آیه نور را به هفت قسمت، جزءبندی نموده و بر اساس مفاهیم مستتر در آنها و به شیوه تفسیر ملاصدرایی ، اصل صادر شده از آنها را بیان نموده است. این اصول کلی به قرار زیر می‌باشند:

۱. **اصل اول:** «اللّٰهُ نُورُ السَّمٰوَاتِ وَالاَرْضِ»؛ اصل هستی بخشی نور: خدا روشنگر هستی است. چرا که خداوند با پرتو لطف خود جهان را از نیستی به هستی آورده است و آن را پدیدار کرده است. هستی، فیض خداوند و پرتوی از نور اوست، قوام و بقای هستی از اوست. در سراسر حکمت ایرانی، رابطه رمزآمیز تعریف مبداء هستی بخش به واسطه نور به معنی هست شدن و موجود بودن به واسطه بود و وجودی است که با نور تعریف و شناخته شده است. حضور نور در اثر معماری وجود را تداعی می‌کند و وجود نور علت موجودیت را نشان می‌دهد. از این رو موجود که-در اینجا معماری است- هستی‌اش وابسته به نور است، نور را که علاوه بر پدیداری کالبد مسبب پدیداری اساس حقیقت آن می‌شود، حقیقتی که ورای کالبد وجود دارد. نور با حضور خود وجود را معنا می‌بخشد و از این رو کالبد معماری را با وجود حضور کیفی خود زنده می‌کند.

۲. **اصل دوم:** «مَثَلُ نُورِهِ كَمِشْكوٰةٍ فِيهَا مِصْبَاحٌ الْمِصْبَاحُ فِی زُجَاجَةٍ الزُّجَاجَةُ كَاَنَّهَا كَوْكَبٌ دُرِّیٌّ»؛ اصل ذومراتبی نور: در این مثال، خداوند خود را به (مصباح) و جهان را به (مِشکاة) تشبیه فرموده است و مرادش از (زُجاجَة) پرده‌ای است که خداوند خویشتن را در فراسوی آن از چشم خلائق پنهان کرده است. ولی این پرده نه تنها نهان نمی‌دارد، بلکه بر شدت ظهور نیز می‌افزاید. نقش زجاجه در اینجا به عنوان تعدیل کننده و پخش کننده نور است. مصباح که در عرفان و حکمت نوری کورکننده است و دارای شدت بیشتری می‌باشد توسط زجاجه در فضا پخش شده و بدین وسیله تلطیف می‌گردد و انسان با آن انس بیشتری پیدا می‌کند. علامه طباطبایی نیز چنین می‌فرماید: «تشبیه زجاجه به کوکب دری، از جهت ازدیاد روشنایی نور مصباح

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-19]

است و شفافیتی که براثر ترکیب با زجاجه پیدا نموده است، که درآن صورت شعله، آرامش بیشتری یافته و بر اثر امواج هوا و وزیدن باد، اضطراب پیدا نمی‌کند، با این وصف، زجاجهٔ همچون کوکب درّی می‌درخشد» (طباطبائی، ۱۳۷۰ ،ج۱۵: ۱۲۳).

۳. **اصل سوم:** «یُوقَدُ مِنْ شَجَرَةٍ مُبَارَکَةٍ زَیْتُونَةٍ لاَ شَرْقِیَّةٍ وَ لاَ غَرْبِیَّةٍ»؛ اصل عدالت (بی‌جهتی و همه‌جهتی): از آنجا که این جمله وصف برای شجره است و مقصود از آن درخت زیتون است منظور از «لاشرقیه ولاغربیهٔ» این است که همواره در تمام جهات برخوردار از آفتاب است تا ثمرهٔ آن نیکو گردد. این امر موجب می‌گردد فضای عبادی از نور یکنواختی برخوردار بوده و هیچ قسمتی نسبت به قسمتی دیگر برتری نداشته باشد. اینگونه فضا به اصطلاح بهتر، فضای مالامال از نور است. معماری ما، در بالاترین و کلی‌ترین مرتبه طرح، حاوی بی‌جهتی است. این نکته را می‌توان در مبنای طرح حیاطی چهار ایوانی در مسجد یا مدرسه یا کاروانسرا و غیره آن دید. یا در قرارگیری فضاهای پراهمیت در میانه اضلاع حیاط یک خانه و یا فضای سرپوشیده یک تیمچه یا سرای بازار و نیز در طرح یک کوشک با گنبدی مرکزی و چهار ایوان رو به چهار جهت در اطراف آن، بوضوح مشاهده کرد. وجود نماهای مشابه چهار جهت داخل یک گنبدخانه، نشستن طاقنماها یا قوس‌های یکسان در چهار سوی یک تالار یا هشتی ورودی یک خانه و بسیاری دیگر نیز این بی‌جهتی کلی فضاها را چه در کل طرح و چه در اجزا آن متصور می‌کند.

۴. **اصل چهارم:** «یَکَادُ زَیْتُهَا یُضِیءُ وَ لَوْ لَمْ تَمْسَسْهُ نَارٌ»؛ اصل نفی ماده: این مثال به این اشاره دارد که آن چراغ (مصباح) از روغنی فروغ می‌گیرد که به آن روغن، آتش نرسیده است. به روشنی می‌توان مفهوم نفی مادیت را در این مثال دید. بر این اساس نور مصباح، نور درون نهفته است و وابسته به ماده (روغن) نیست. پس نور خدا از ذات اوست نه از عوامل بیرونی. ماده زدایی در معماری عملی کیمیایی است. کیمیا از نظر متفکر ایرانی چون نصر «راهی برای هشیاری از فریب غفلتی است که آن را جهان می نامیم، و این هشیاری به میانجی‌گری مشاهده اصلی طبیعت و سهیم شدن در رویای نفس عالم از طریق ازاله سدهای محدود کننده روان فردی حاصل می شود» (نصر، ۱۳۸۹، ص ۲۶۵). و این عملی است که معمار ایرانی آن را به مدد اکسیر نور در فضا انجام داده است. در واقع در تبدل، عملی که در فرایند کیمیاگری روی می‌دهد، آنگونه اکسیر در سیماهای آشکار و نهان فلز دخالت می‌کند و بر آنها اثر می‌گذارد تا آن را به نسبت کامل موجود در طلا برساند.

۵. **اصل پنجم:** «نُورٌ عَلی نُورٍ»؛ اصل استمرار و تداوم: روشن‌گری خداوند همیشگی و دائمی است. افاضه فیض رحمانی به صفت جمالی و جلالی سبب تداوم و استمرار جهان هستی می‌شود؛ یعنی به مشیت الهی، موجودات به صفت جلالی نابود می‌شوند و به لطف خداوندی به صفت جمالی موجودیتی تازه می‌یابند. حضرت حق تنها وجود حقیقی است و پدیده‌ها همه ظهور و تجلی و پرتو اویند. آنها هیچ استقلالی از خود ندارند و عین تعلق به خداوندند. تجلی حضرت حق به دلیل توسع الهی تکرارپذیر نیست. از این رو تجلی او مدام است و با نَفَس رحمانی‌اش (بسط وجود بر اعیان)، دم به دم آفرینش نو می‌شود. بر این بنیاد، خلق جدید (آفرینش مدام) همان تجلی مستقر و تکرارناپذیر حق است. با تجلی جمالی حق، پدیده‌ها بقا می‌یابند و با تجلی جلالی، فانی می‌شوند .این بقا و فنا و خلع و لبس دائمی است (خلق مدام).

۶. **اصل ششم:** «یَهْدِی اللّهُ لِنُورِهِ مَنْ یَشَاءُ»؛ اصل حرکت و جهت: سیر یا حرکت طبیعت نور طبیعی، علت وجود عینی نور است. از این رو به کارگیری اندیشیده ابزارهای بیانی معماری به منظور تاکید و نمایانی حرکت که شاخصه نور شناخته شده موجود در هستی است، از جمله خصوصیاتی است که برپایی آثار معماری قدیم ایران از آن متاثر است.

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-19]

حرکـت عاملـی وابسـته بـه زمـان اسـت و در معمـاری قدیـم ایـران بـا نـور تعریـف می‌شـود. بـه سـخن دیگر حرکـت عامـل تعیین‌کننـده زمـان قـراردادی (طلوع و غروب خورشـید و ...) می‌شـود و تغییر ناشـی از حرکت در سـیر زمـان، تلقـی از «بـودن، مانـدگاری و زندگی و منبع باشـیدن» اسـت.

۷. **اصـل هفتـم:** « وَ یَضْـرِبُ اللّٰهُ الاَمْثَالَ لِلنَّـاسِ وَ اللّٰهُ بِـکُلِّ شَـیْ ءٍ عَلیـمٌ»؛ اصـل آیتـی: در معمـاری هـر اثر برپـا شـده بیانگـر اسـت و در جوامع وابسـته به سـنت هـر عمل معمـار در برپایی مکان رخـداد زندگی متعلق بـه آن، نشـانه و ردپایـی را از مبانی شـکل دهنده به آن زندگـی آشـکار می‌کنـد. بیانگـر از ایـن رو کـه مضمون متن آن تبیین کیفیت زندگی انسـان اسـت و نشـانه از آن رو کـه نشـان از ملاحضـات حقیقت زندگـی متصور بـرای آن دارد. ایـن تبییـن و نشـانه داشـتن بـه وجـه چنـد سـویه نـور، مفهـوم نشـان داشـتن از محتوایـی را کـه اسـاس زندگـی بـر پایـه آن شـکل گرفته اسـت روشـن می‌سـازد. بـه سـخن دیگـر نـور از حیـث مقـام بیانگـری معمـاری، نشـان از اصل نـور، نورالانـوار دارد؛ ردپایـی از حضـور دارد کـه چـه در عالـم مـاده و چـه در عالـم نفـس تعریف شـده اسـت. نور در غالب نقشـی کـه در معمـاری ایـران قدیـم دارا بـوده اسـت حضوری «غیرمسـتقیم» و «آیتـی» دارد.

ج) نمودهـای عینی اصول کیفی نـور در فضاهای عبادی

مـکان یـک مفهوم عینی و ذهنی اسـت کـه مفاهیم آن می‌توانـد در کالبـد بنـای معمـاری جلوه‌گـر شـود. نور بیشـترین تاثیـر بصـری در ایجـاد گسـیختگی فضـای مقـدس از فضـای بیـرون را دارا می‌باشـد و بـه عنـوان یـک متغییـر مسـتقل بـر هـر دو جنبـه مفاهیـم یـک مـکان مقـدس تاثیر می‌گـذارد. بـه عبارت دیگـر توجه بـه نـور و فلسـفه آن در مسـاجد می‌توانـد کالبد عینی مسـاجد را بـه مفاهیـم عمیـق ذهنی و معنـوی نزدیک کنـد و معمـاری مسـجد را بـه سـمت معمـاری یـک مـکان مقـدس کـه نمایانگـر وجـود الهی اسـت، سـوق دهـد. در هـر بنایـی کـه مفاهیـم نقـش قابـل توجهـی دارنـد، معمـاری می‌توانـد نمود بخش این معانی باشـد. چنانچـه ایـن تجلـی بـه نحو احسـن انجـام یابـد؛ ابعاد بیشـتری از وجـود انسـان درگیـر شـده و معمـاری بـه هـدف خـود نایـل خواهـد آمـد. در بنایی چون مسـجد کـه جنبه‌هـای معنایـی نقـش بـه مراتـب موثرتـری دارنـد؛ توجـه بـه آنهـا، بناهـا را در ذهـن مخاطـب دلنشـین تـر جلـوه داده و او ناخـودآگاه در انتخـاب فضـای عبـادت از بیـن چنـد گزینه، بـه نمونـه‌ای روی خواهـد آورد کـه بتوانـد ایـن توجـه را در آن جلوه‌گـر بینـد. نـور به عنـوان صورتـی از معنا و نمـادی از وجود خداونـد، جایـگاه مهمـی در تبلور این مفاهیم داراسـت و چگونگـی ظهور آن بـه درک بهتر حضور یاری خواهد رسـاند. بـه منظور بررسـی کیفیـت نور روز در مسـاجد منتخـب، اصـول کیفـی هفتگانـه نـور، منتـج از آیه نور مـورد تطبیق و مقایسـه قـرار خواهد گرفـت. این اصول مهمتریـن مفاهیـم مـورد انتظـار از نـور می‌باشـد کـه وظیفـه معمـاری کمـک به تجلی آنهاسـت. ایـن اصول بـه عنـوان متغیرهای کیفـی تحقیق حاضر بـوده که در صـورت نمودبخشـی معمارانـه و عینی نمـودن مفاهیم مذکـور، قابـل سـنجش در حیطـه متغییرهـای کمـی هـم‌ارز خواهـد بـود. نگارنـدگان در ایـن بخش نسـبت بـه معـادل سـازی مفاهیـم کیفـی نـور در معمـاری اقـدام نمـوده و در آخر آنهـا را مورد سـنجش و ارزیابی از طریـق برداشـت هـای میدانـی قـرار خواهـد داد. اسـتنتاج معـادل معمارانـه بـرای اصول کیفـی هفتگانه نـور بـه شـرح ذیل می‌باشـد:

اصـل اول: اصـل هستی‌بخشـی؛ ایـن اصـل مبتنی بر اصـل یگانگـی و توحیـد خداوند بوده و منشـاء پیدایش همـه امـور از سـوی او می‌باشـد. این اصـل در معماری نقـش جـان بخشـی بـه کالبـد را برعهـده دارد لـذا شایسـته اسـت بـه صـورت طبیعـی و بـا رنـگ خالص خـود وارد فضـای عبـادی گـردد. از طرفـی دیگـر بـا توجـه بـه اینکـه این نـور زمینی نیسـت لذا لازم اسـت بازشـوها در ارتفاعی بالاتر از چشـم انداز انسـانی باشـد. عرفـا در مـورد مقام ذات بـر این باورند کـه مرحله کنه و حقیقت ذات خداوند از دسـترس اندیشـه بشـر خارج

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-19]

است؛ به همین جهت در عرفان از مرتبه ذات تعبیر به غیب الغیوب می‌شود؛ یعنی غایب و مخفی‌ای که از آن غایب‌تر نیست (یزدان پناه، ۱۳۸۸، ص ۲۹۷) و این امر می‌طلبد که منبع نور از دید کاربر مخفی یا بالاتر از تراز ارتفاعی چشم باشد و حضور آن در فضای عبادی به صورت غیرمستقیم باشد. اندیشمندان از اهل عرفان بر این باورند خداوند به لحاظ تجلیات نیز دارای مقامات متعدد است لذا می‌توان با نظام بندی مشخص نورگیرها چه در دیوارها و چه در سقف، یک کل واحد بوجود آورد. بنابراین می‌توان در نمود بخشی معمارانه به اصل هستی بخشی نور، (نحوه) حضور نور، رنگ نور، (نحوه)حضور بازشو، نظام توزیع بازشوها را معادل کمی مفهوم کیفی فوق دانست.

اصل دوم: اصل ذومراتبی نور؛ فلاسفه مسلمان غالباً برای تحلیل و توجیه کثرات عالم، از راه شدت و ضعف و تشکیک وارد شده‌اند. در حکمت اشراقی، ماهیت جوهری نور را حقیقتی تشکیکی شمرده‌اند که از شدیدترین نور یعنی نورالانوار آغاز می‌شود و تا ضعیف‌ترین نور امتداد دارد. حکمت متعالیه نیز حقیقت وجود را واقعیتی ذومراتب و تشکیکی می‌داند که از وجود بی‌نهایت شدید شروع می‌شود و تا ضعیف‌ترین وجود یعنی وجود هیولا و مادهٔ نخستین امتداد می‌یابد (همان، ص ۳۰۸). بر این اساس تنظیم میزان نور در فضای عبادی یک ضرورت است به طوری که سلسله مراتب شدت نوری در فضا توسط کاربر قابل درک و دریافت باشد. این امر نمودی از هدایت به مراتب بالاتر را متجلی می‌سازد. محراب به عنوان مهمترین قسمت فضای عبادی، شایسته برخورداری از بالاترین میزان نور در لایه افقی و عمودی خود است. درخشندگی جبهه قبله در فضای عبادی ضمن تاکید عرفانی بر محراب و سوی کعبه، دعوت‌کنندگی در فضا را توسط نور افزایش می‌دهد. لازمه این امر قرار دادن نورگیرهای مناسب در ارتفاع بالاتر از دید انسانی و در جبهه قبله(محراب) می‌باشد. بدیهی است که انتظام بازشوها در فضای عبادی می‌تواند در تحقق این امر موثر بیافتد. بنابراین نظام توزیع نور، (نحوه) حضور بازشو، نظام توزیع بازشوها نقش موثری را در این حوزه خواهد داشت.

اصل سوم: اصل عدالت؛ از دیدگاه قرآن کریم عدل در سراسر نظام آفرینش جاری است و نسبت به همه موجودات و همه هستی از آن جهت که فعل خداوند متعال هستند جریان دارد. به تعبیر قرآن‌کریم هم نظام طبیعت و هم نظام ملکوت، عادلانه می‌باشد. «لقد ارسلنا رسلنا بالبینات انزلنا معهم الکتاب و المیزان لیقوم الناس بالقسط» (سوره مبارکه حدید، آیه ۲۵). بنابراین سبب پویایی عدل در سراسر هستی چه در نظام تکوینی و چه در نظام تشریع، خداوند متعال خواهد بود. از نظر نگارندگان مفهوم عدالت این است که در فضای عبادی، توزیع نور در طول سال متعادل بوده و هر قسمت از فضای عبادی متناسب با نوع عملکردی که می‌پذیرد؛ نور مورد نیاز خود را داشته باشد. طبیعتاً نظام قرارگیری بازشوهای دیواری و سقفی در نحوه توزیع نور در فضا و پذیرش عملکرد متناسب با نور دریافتی موثر خواهند بود. فضای عبادی با محوریت محراب، نقش اساسی در سنجش میزان توزیع نور در فضای عبادی را دارد. حضور تقارن در فضا و همچنین آرایش نورگیرهای سقفی در درک تعادل بصری محیط توسط کاربر از ملزومات تحقق این مهم در فضای عبادی می‌باشد. لذا برای نمود این اصل در کالبد فضای عبادی، نظام توزیع نور، نظام توزیع بازشوها نقش موثری را ایفای می‌نمایند.

اصل چهارم: اصل نفی ماده؛ از دیدگاه نگارندگان این اصل در فضای عبادی زمانی اتفاق می‌افتد که ارتباط عمیق‌تری بین عبد و معبود برقرار شود و حصارهای فیزیکی فضای عبادی از دیده‌گان کاربر برچیده شده و همه فضا برای او نور گردد. به عبارت دیگر عروج روحانی در فضا صورت پذیرد. مهمترین اصل در عینیت بخشی به مفهوم عروج، تعالی نگاه است، چراکه اوج در ادراک انسان در

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-19]

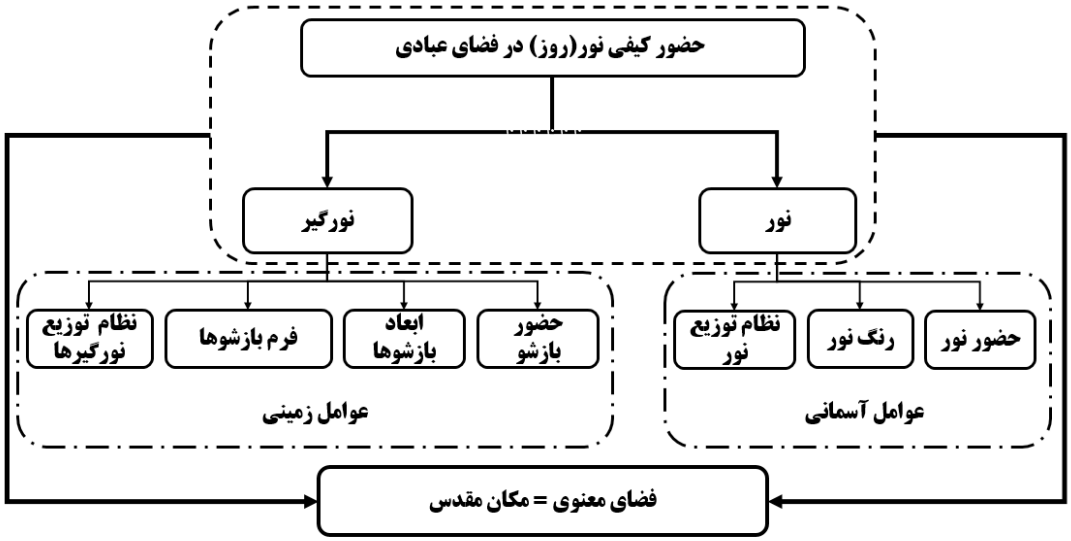
ارتفاعی بالاتر از مقیاس انسانی معنا می‌یابد و لذا دارا بودن ارتفاعی شاید آسمانی برای بازشو در تجلی مفهوم عروج در ذهن مخاطب امری لازم تلقی شود. ارتفاعی آسمانی برای بازشو، باعث قطع ارتباط بصری با جهان مادی می‌شود. چشم هنگام عبور از کف به سوی سقف، درجات مختلف تاریکی و روشنی را تجربه می‌کند.

در کنار این امر، ابعاد بازشوها نیز مهم جلوه می‌نماید. از آنجا که دستگاه ادراکی انسان «تعرف الاشیاء باضدادهم» می‌باشد، وجود سایه در کنار نور ضروری به نظر می‌رسد تا توجه انسان را به صورت ناخودآگاه به نور جلب نماید(سایه نمادی است از زندگی؛ سایه درخت یکی از نعمت‌های وعده داده شده در بهشت است) در نتیجه لازم است ابعاد بازشوها کوچک باشد؛ چونکه علاوه بر قطع ارتباط بصری با محیط بیرون باعث تضاد نوری بیشتری در فضا می‌گردد و کاربر حضور نور را بیشتر احساس نموده و ارتباط بهتری را با معبود خود برقرار می‌کند. چراکه ابعاد بزرگتر، تضادهای کمتری ایجاد نموده و نتیجه حاصل از وجود آنها عمدتاً روشنایی خواهد بود و نه انعکاس پرتوی از نور...؛ همچنین بازشوها با پذیرش فرم هایی که تداعی اوج و اتصال به آسمان را دارند، جلوه ای از حرکت از این دنیای مادی و اتصال به عالم بالا را نشان خواهند داد. لذا برای تحقق این اصل در فضای عبادی، (نحوه)حضور بازشو، ابعاد بازشوها، فرم بازشوها نقش موثری را ایفای خواهند نمود.

اصل پنجم: اصل استمرار و تداوم؛ دوام فیض که یکی از صفات خداوند است از لوازم قدرت نامحدود اوست؛ به این بیان که قدرت خداوند مبداء و منشاء ایجاد و علت ماسوای خداست. با توجه به مبانی حکمت متعالیه همه وجودات، عین ربط و وابستگی به خدا هستند و هیچ موجودی به نحو مستقل نمی‌تواند مفیض وجود باشد بلکه هیچ موجودی غیر از خداوند و فیض او وجود ندارد. نتیجه آنکه فیض خداوند همیشگی، دائمی و نامحدود است. از آنجا که آسمان معمولاً در سمت الرأس نسبت به افق روشن‌تر است، نورگیرهای سقفی نسبت به پنجره‌های عمودی نور بیشتر و دائمی‌تری را به داخل راه می‌دهند. از دیدگاه نگارندگان نیز، هرچه قدر بازشوهای فضا به منبع نور عینی(آسمان) نزدیک باشد از فیض دائم الهی بهره‌مند خواهد شد. نظام آرایش بازشوهای سقفی نیز در نمود این امر موثر می‌باشد. تکرار این بازشوها در نظامی هدفمند، حضور نور را در فضا از دید کاربر همیشگی و دائمی می‌نمایاند. بنابراین می‌توان در نمود بخشی معمارانه به اصل استمرار و تداوم، (نحوه)حضور بازشو، نظام توزیع نورگیرها را معادل کمی مفهوم کیفی فوق دانست.

اصل ششم: اصل حرکت و جهت؛ هدایت، فقط از آن خداست. فقط او است که امکان هدایت برای آدم‌ها را فراهم می‌کند. نشان دادن راه دستیابی به مقصد که به آن «ارائه الطریق» می‌گویند و رساندن راهیان به هدف که آن را «ایصال به مطلوب» می‌نامند. در اصطلاح نیز هدایت، برخورداری موجود از کمالی است که با نظم خاص و صحیحی به آن برسد؛ به دیگر سخن، برقراری ارتباط خاص میان موجود و آینده کمالی آن را «هدایت» می‌گویند (جوادی آملی، ۱۳۷۲، ص ۳۱). در خصوص اهمیت حرکت و جهت در فضای عبادی باید گفت که؛ جهت‌یابی در مکان برای انسان حس امنیت را که در مقابل گم‌شدگی است، القاء می‌نماید. تقویت حس جهت‌یابی که یکی از عناصر باشیدن و سکنی‌گزینی و رسیدن به روح مکان از دیدگاه شولتز (۱۳۸۸) می‌باشد، با بکارگیری عنصر مقدس نور در فضای معنوی مساجد بوجود می‌آید. نور با تعیین جهت در فضا، هویت مکانی به آن اعطا نموده و حس تعلق مکانی (سکنی‌گزینی و احساس امنیت) را بیش از پیش در ذهن و روان مخاطب نمایان‌تر می‌کند. جهت و هدف در فضای عبادی؛ راستای قبله و محراب می‌باشد. این مهم توسط نظام توزیع نور، (نحوه)حضور بازشو، نظام توزیع نورگیرها در کالبد معماری فضای عبادی نمود پیدا می‌کند.

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-19]



نمودار ۲. عوامل آسمانی (نور) و عوامل زمینی (نورگیر) درپیدایش فضای معنوی؛ ماخذ: نگارندگان.

اصل هفتم: اصل آیتی؛ نور در کالبد مادی و در هیات بخشی به معانی، که در قالب هنر معماری تجلی می یابد؛ صرفاً به عنوان عنصر فیزیکی و مادی مطرح نبوده و سمبل عقل الهی و وجود نام برده شده است. اساساً معانی و مفاهیم عالی قدسی از طریق نماد در قالب صور حسی در می آیند و نماینده معانی متعالی می گردند (وفایی و نزهت، ۱۳۸۸، ص ۱۷۲). از همین روست که می‌توان نور مادی را به عنوان نمادی از معانی متعالی نور حق قلمداد نمود. لذا می‌توان گفت نور به عنوان بعد مشترک میان انسان و خدا، جایگاه مورد توجهی بین متفکران دینی و عارفان دارد و از آنجا که نور محسوس نیز متعالی ترین جسم مادی تلقی می‌شود؛ واسطه مناسبی بین عینیت و ذهنیت قلمداد می‌گردد. از نظر نگارندگان این اصل تمام کننده و تجمیع شش اصل قبلی می‌باشد. این اصل خود نمادی از عدد هفت می‌باشد. هفت عدد عالم و نشانه کمال است که از مجموع «سه» نماد آسمان و «چهار» نماد زمین به وجود می‌آید و نخستین عددی است که هم مادی و هم معنوی می‌باشد (نصیری دهقان، ۱۳۹۱، ص ۳۵).

بر این اساس عوامل: (نحوه) حضور نور، رنگ نور، نظام توزیع نور، ابعاد بازشوها، (نحوه) حضور بازشو، فرم بازشوها، نظام توزیع بازشوها می‌باشد. از این عوامل سه عامل آسمانی و چهار عامل زمینی می‌باشند و این امر با اصل هفتم که یک اصل کامل و متشکل از سه عامل آسمانی و چهار عامل زمینی می‌باشد مطابقت دارد (نمودار ۲).

۳.روش سنجش کیفی نور در فضاهای عبادی

به منظور ارزیابی اصول هفتگانه کیفی نور در مساجد تاریخی تبریز، چک لیستی با معیارهای مشخص تنظیم و به صورت جدول زیر (جدول۱) تهیه می‌گردد. نتایج چک لیست، بعد از استخراج وارد جدول زیر شده (جدول ۲) و در نهایت ارزیابی نهایی از میزان بهره‌گیری فضای عبادی از مفاهیم کیفی نور(روز) در پنج مرتبه (خیلی خوب، خوب، متوسط، ضعیف، خیلی ضعیف) معلوم می‌گردد. از دیگر ویژگی‌های این جدول مشخص نمودن نقاط ضعف و قوت نمودهای عینی مفاهیم کیفی نور در فضای عبادی می‌باشد. لازم به ذکر است که کلیه اصول و مفاهیم بکار رفته در این تحقیق (فرضیه نگارندگان)، قبلاً طی تکمیل پرسشنامه توسط کاربران، بازدیدکنندگان، اهل خبره و غیره و بررسی مورد تایید قرار گرفته است.

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-19]

چک لیست ارزیابی معیارهای اصول هفتگانه کیفی نور درفضاهای عبادی			
نام مسجد:			
عنوان اصل	نمودهای عینی	معیارهای ارزیابی	نتیجه ارزیابی
اصل هستی بخشی	(نحوه) حضور نور	نوع نور طبیعی بوده و به صورت غیر مستقیم وارد فضای عبادی می‌شود.	تحقق یافته یا تحقق نیافته
	رنگ نور	رنگ نور طبیعی(خالص) بوده و از شیشه‌های شفاف(بی رنگ) وارد فضای عبادی می‌شود.	تحقق یافته یا تحقق نیافته
	(نحوه) حضور بازشو	محل قرارگیری نور گیرهای سقفی و دیواری(جبهه قبله) بالاتر از تراز ارتفاعی چشم کاربر می‌باشد.	تحقق یافته یا تحقق نیافته
	نظام توزیع بازشوها	بازشوها چه در جبهه قبله و چه در سقف به نحوی انتظام یافته‌اند که در تلفیق با هم، یک کل را بیان می‌نمایند (اشاره به اصل وحدت دارند).	تحقق یافته یا تحقق نیافته
اصل ذومراتبی	نظام توزیع نور	میزان نور در فضای عبادی متناسب با حرکت کاربر به سمت محراب افزایش پیدا می‌کند.	تحقق یافته یا تحقق نیافته
	(نحوه) حضور بازشو	نورگیرهای جبهه قبله، ضمن درخشنده نمودن این جبهه و تاکید بر محراب، موجب تسهیل در روند سلسله مراتب نوری در فضای عبادی می‌شود.	تحقق یافته یا تحقق نیافته
	نظام توزیع بازشوها	آرایش بازشوها(سقفی یا دیواری) با نظامی هدفمند، موجب حضور نور با مراتب نوری مختلف در فضای عبادی می‌شود.	تحقق یافته یا تحقق نیافته
اصل عدالت	نظام توزیع نور	میزان توزیع نور(روز) در فضای عبادی در طول سال، متعادل و یکنواخت می‌باشد.	تحقق یافته یا تحقق نیافته
	نظام توزیع بازشوها	آرایش نورگیرهای سقفی و دیواری در نظامی هدفمند، موجب تسهیل حضور متعادل نور در فضای عبادی می‌شود.	تحقق یافته یا تحقق نیافته
ماده نفی اصل	(نحوه) حضور بازشو	ارتفاع بازشوهای فضای عبادی، بالاتر از تراز ارتفاعی چشم کاربر بوده و ارتباط مستقیم با آسمان به عنوان مظهر نور عینی برقرار	تحقق یافته یا تحقق نیافته

جدول ۱. چک لیست ارزیابی معیارهای اصول هفتگانه کیفی نور در فضاهای عبادی؛ ماخذ: یافته های تحقیق.

۴.معرفی نمونه های موردی

بازار تبریز یک الگوی زنده و پویا از یک دوره تاریخی و اسلامی است و مساجد نیز بخش اصلی این الگوی معماری هستند. مساجد موجود در بازار تاریخی تبریز هم از نظر تعداد و هم از نظر قدمت جزو مساجد منحصربه‌فرد جهان اسلام هستند. مساجد متعلق به دوره‌های مختلف تاریخی در کنار یکدیگر و زیر سقف یک مجموعه به نام بازار تبریز به این مکان ثبت جهانی شده اهمیت بیشتری داده‌اند. به دلیل فراوانی مساجد شبستانی در مجموعه بازار تبریز نسبت به گونه گنبدخانه‌ای، جهت انجام تحقیق، نمونه‌های ارزشمند شبستانی (دوره قاجاریه) از لحاظ نورگیری و در سه گونه کوچک، متوسط و بزرگ از لحاظ وسعت جهت انجام تحقیق حاضر انتخاب گردیدند.

۵.آنالیز و جمع بندی

به منظور تلخیص در حجم مقاله، مجموعه اطلاعات بدست آمده از برداشت های میدانی، در جدول زیر(جدول۳) گردآوری گردید.

میانگین درصد استفاده از اصول کیفی هفتگانه نور(روز) در کل نمونه‌های موردی به صورت نمودار زیر (نمودار ۲) می‌باشد:

میانگین درصد استفاده از نمودهای عینی اصول

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۴ پاییز ۹۵
No.44 Automn 2016

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-19]

		می‌گردد.	
	ابعاد بازشوها	ابعاد بازشوهای سقفی و دیواری به گونه‌ای است که ضمن بوجود آوردن تضاد نوری، موجب پیدایش پرتوهای نوری(و همچنین لکه های متحرک نورانی) در فضا می‌گردد. پرتوهای نوری در احساس کشش به سمت بالا و اتصال با معبود در کاربر موثر می‌باشند.	تحقق یافته یا تحقق نیافته
	فرم بازشوها	فرم بازشوها به گونه ای است که به سمت آسمان اشاره داشته و نوعی عروج از سطح زمین به سطح بالا را تداعی می‌نماید.	تحقق یافته یا تحقق نیافته
اصل استمرار و تداوم	(نحوه) حضور بازشو	قرار گیری نورگیرها در بالاترین ارتفاع فضا ضمن نزدیکی به منبع فیض الهی(آسمان)، موجب استمرار و تداوم نوردهی به فضای عبادی می‌گردد.	تحقق یافته یا تحقق نیافته
	نظام توزیع بازشوها	قرارگیری بازشوها به صورت نظامی تسلسل گونه در فضای عبادی، موجب نورگیری دائمی از منبع فیض الهی(آسمان) می‌گردد.	تحقق یافته یا تحقق نیافته
اصل حرکت و جهت	نظام توزیع نور	میزان نور در فضای عبادی به گونه‌ای است که راستا(قبله) و هدف مشخصی(محراب) را مورد تاکید قرار می‌دهد.	تحقق یافته یا تحقق نیافته
	(نحوه) حضور بازشو	نورگیرهای جبهه جنوبی فضای عبادی ضمن درخشنده نمودن این جبهه نسبت به سایر جبهه های، به راستای قبله و محراب تاکید دارد.	تحقق یافته یا تحقق نیافته
	نظام توزیع بازشوها	قرارگیری بازشوهای سقفی یا دیواری در نظامی هدفمند، به گونه‌ای است که به راستای قبله و محراب تاکید دارد.	تحقق یافته یا تحقق نیافته
اصل آیتی	(نحوه) حضور نور	نور طبیعی نمادی از نور معنوی و نور حق تلقی می‌شود.	تحقق یافته یا تحقق نیافته
	رنگ نور	حضور نور با رنگ خالص خود در فضای عبادی نمادی از اصالت وجود الهی است.	تحقق یافته یا تحقق نیافته
	نظام توزیع نور	حضور نور با شدت نوری مختلف در فضای عبادی، مترادف با مراتب مختلف و تجلیات متعدد وجود الهی است.	تحقق یافته یا تحقق نیافته
	(نحوه) حضور بازشو	قرارگیری نورگیرها در ارتفاعی بالاتر از سطح زمین و تراز چشم کاربر تعالی نگاه را به همراه داشته و نمادی از عروج و اتصال به منبع نور عینی در ذهن مخاطب تلقی می‌گردد.	تحقق یافته یا تحقق نیافته
	ابعاد بازشوها	ابعاد کوچک نورگیرها در فضای عبادی نمایانگر حجاب نور است. حجاب نور الهی باعث درخشش حضور نور در فضای عبادی شده و تاکیدی بر نورالانوار است.	تحقق یافته یا تحقق نیافته
	فرم بازشوها	فرم منحنی و قوس مانند بازشوها(علی الخصوص در دیوارها) نمادی از عروج و اتصال به منبع نور عینی در ذهن مخاطب تلقی می‌گردد.	تحقق یافته یا تحقق نیافته
	نظام توزیع بازشوها	نظام هدفمند نورگیرها در فضای عبادی حکایت از وجود نظم در عالم وجود و ناظم الهی است که هدف نهایی کمال انسان است.	تحقق یافته یا تحقق نیافته

ادامه جدول ۱. چک لیست ارزیابی معیارهای اصول هفتگانه کیفی نور در فضاهای عبادی؛ ماخذ: یافته های تحقیق.

کیفی نور در کل نمونه‌های موردی به صورت نمودار زیر (نمودار ۳) می‌باشد:

آنچه را که می‌توان از نمودارهای یاد شده دریافت نمود به قرار زیر می باشد:

اصل آیتی و اصل هستی‌بخشی، نسبت به سایر اصول کیفی هفتگانه نور(روز) در مساجد منتخب، نقش پررنگی را در فرایند معنویت‌بخشی به فضای عبادی دارند. نقش کم رنگ سایر اصول را باید در نبود نمودهای عینی آنها در کالبد فضاهای عبادی جستجو کرد. به طوری که نبود نظام هدفمند در

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-19]

	نام مسجد:						
	معادل عینی اصول هفتگانه کیفی نور (روز) در معماری						
	متغیرهای وابسته به نور			متغیرهای وابسته به بازشو			
	(نحوه) حضور نور	رنگ نور	نظام توزیع نور	(نحوه) حضور بازشو	ابعاد بازشوها	فرم بازشوها	نظام توزیع بازشوها
اصل هستی بخشی							
اصل ذومراتب							
اصل عدالت							
اصل نفی ماده							
اصل استمرار و تداوم							
اصل حرکت و جهت							
اصل آیتی							
توضیحات:							
میانگین درصد استفاده از اصول کیفی هفتگانه نور (روز):							
ارزیابی میزان بهره گیری از مفاهیم کیفی نور(روز)	خیلی خوب ۱۰۰٪-۸۰٪	خوب ۸۰٪-۶۰٪	متوسط ۶۰٪-۴۰٪	ضعیف ۴۰٪-۲۰٪	خیلی ضعیف ۲۰٪-۰		

جدول ۲. ارزیابی معیارهای اصول هفتگانه کیفی نور در فضاهای عبادی؛ ماخذ: یافته های تحقیق.

مدیریت شهری
فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۴ پاییز ۹۵
No.44 Automn 2016

توزیع بازشوها، انتخاب ابعاد بزرگ برای بازشوها، حضور بازشوها در ارتفاعی پایین تر از تراز چشم مخاطب و قرار گیری در جبهه نامناسب باعث تضعیف اصل ذومراتبی نور و اصل حرکت و جهت در فضاهای عبادی منتخب شده‌اند. در مقابل، حضور نور به صورت طبیعی و با رنگ خالص و از جانب آسمان تا حدودی در نقش‌آفرینی فضای معنوی در مساجد منتخب موفق عمل نموده‌اند ولی نیازمند حضور سایر عوامل در این نقش‌آفرینی هستند تا زبان نور در فضای عبادی کامل‌تر گردد.

۶.نتیجه گیری و جمعبندی

نور به عنوان پایه و اساس باور اعتقادی در فرهنگ مردمان ایران قدیم، حضور چشمگیری در معماری فضاهای عبادی (مساجد) به عنوان تجلی‌گاه توحیدالهی داشته است. نور طبیعی فراتر از کمیت آن دارای ویژگی‌های کیفی منحصر به فردی است که از آن در معماری تاریخی ایران به شیوه‌ای هوشمندانه‌ای برای انتقال مفاهیم معنوی استفاده شده است. به سبب جایگاه ارزشمند نور در باور ایرانی اسلامی و رابطه مستقیم آن با قلمروی حکمت و فلسفه، ابنیه مذهبی زمینه مناسبی را برای بازخوانی فراهم می‌کند. حضور کیفی نور در معماری در راستای ایجاد فضای معنوی از خصوصیاتی است که در آثار تاریخی دیده می‌شود. آنچه که از نظر گذشت شامل معرفی اصول کیفی نور مستخرج از آیه نور، نمودهای عینی این اصول در کالبد فضاهای عبادی و نحوه ارزیابی آنهاست. به مصداق سخن گالیله «بدون ابزار شناخت علمی

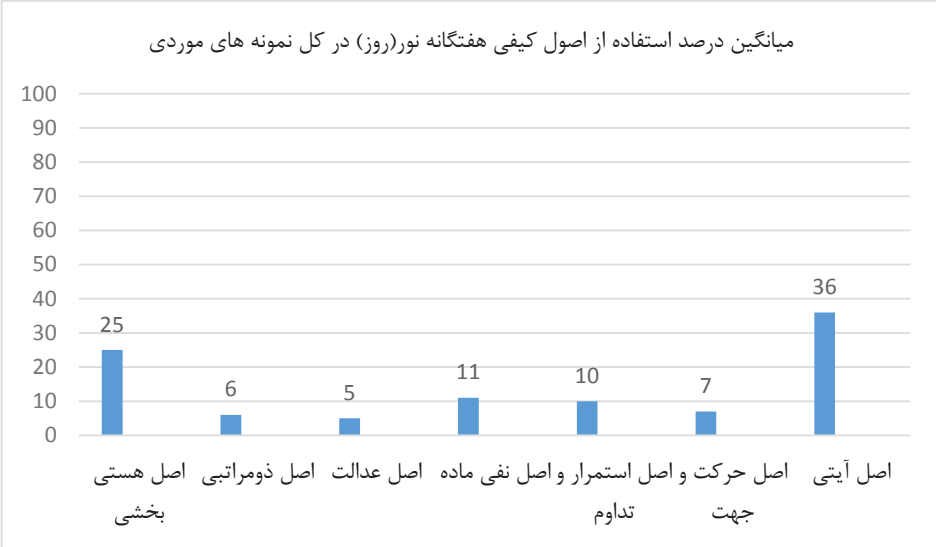
[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-19]

وسعت گونه	نام مسجد	ارزیابی میزان حضور اصول کیفی هفتگانه نور(روز) در فضای عبادی  							میزان عملکرد نور (روز) در فرایند معنویت بخشی به فضای عبادی؛ ۲۰٪-۰٪ خیلی ضعیف؛ ۴۰٪-۲۰٪ ضعیف؛ ۶۰٪-۴۰٪ متوسط؛ ۸۰٪-۶۰٪ خوب؛ ۱۰۰٪-۸۰٪ خیلی خوب
		اصل هستی بخشی	اصل ذومراتبی	اصل عدالت	اصل نفی ماده	اصل استمرار و تداوم	اصل حرکت و جهت	اصل آیتی	
کوچک	سید علی آقا								متوسط
	خسروشاهی								ضعیف
	خلخالی								ضعیف
متوسط (۵۰۰<) (۱۰۰۰>)	دینوری								متوسط
	قزلی								متوسط
	شهید قاضی								خوب
بزرگ(۱۰۰۰<مترمربع)	امام جمعه								ضعیف
	۶۳ ستون								ضعیف
	شهیدی								متوسط

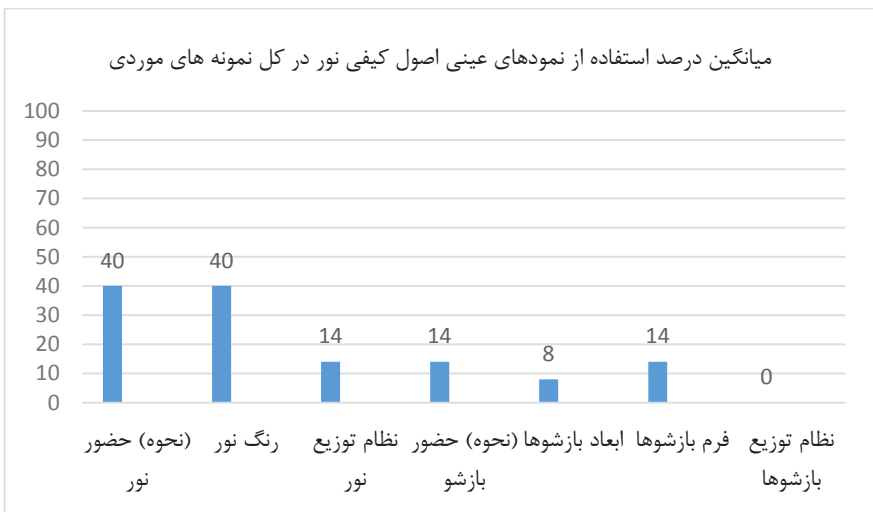
جدول ۳. ارزیابی کیفی نور در فرایند آفرینش فضای معنوی در مساجد منتخب بازار تبریز؛ ماخذ: یافته های تحقیق.

نمی‌توان به علم دست یافت. برای شناخت علمی بجای گمانه‌زنی، باید هر چیز را اندازه گیری و سنجش کرد. آنچه را که نمی‌توان اندازه گرفت را نیز باید کوشش کرد که قابل اندازه‌گیری کرد.»، یافته اصلی این تحقیق نیز این است که: «معنویت حاصل از نور(روز) در فضای عبادی قابل سنجش است.» ارزیابی‌های به عمل آمده از مساجد منتخب نشان داد که هر چه قدر تجلی اصول کیفی هفتگانه نور در فضای عبادی به نحو احسن انجام یابد، ابعاد بیشتری از وجود انسانی درگیر شده و معماری به هدف خود (که همان آفرینش مکان مقدس است) نایل خواهد آمد. متأسفانه در معماری مساجد معاصر، نور به دلیل دوری گشتن از منابع آبشخور خود(دین، حکمت، عرفان) جایگاه معنوی خود را از دست داده است. مساجدی که در گذشته با اتکاء به مبانی ایمانی، حکمی و عرفانی بنا می‌شدند، به کالبدهایی صرفاً فیزیکی و بی‌هویت بدل شده‌اند. این امر در نتیجه گسیختگی معماری مساجد امروزی از اندیشه‌های معنوی گذشتگان و نیز استفاده بدون تأمل از عناصر بصری مساجد گذشته و بی‌توجهی به لایه‌های معنوی و معرفتی حاصل شده است. امید آن که اصول معرفی شده و روش ارزیابی و سنجش

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-19]



نمودار ۲. میانگین درصد استفاده از اصول کیفی هفتگانه نور در کل نمونه‌های موردی؛ ماخذ: یافته های تحقیق.



نمودار ۳. میانگین درصد استفاده از نمودهای عینی اصول کیفی نور درکل نمونه‌های موردی؛ ماخذ: یافته های تحقیق.

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۴ پاییز ۹۵
No.44 Automn 2016

کیفی نور(روز) در فضای عبادی، چشم اندازی جامع از مفاهیم عالی حضور کیفی نور در جهت ایجاد فضاهایی منطبق با نیازهای معنوی، فرا راه انسان معاصر قرار دهد.

منابع و ماخذ

۱. قرآن کریم، ترجمه مهدی الهی قمشه‌ای.

۲. اوشیدری، جهانگیر (۱۳۷۹) نور، آتش، آتشکده در آیین زردشت، تهران، نشر مرکز.

۳. بمانیان، محمدرضا و عالی نسب، محمد علی(۱۳۹۰) بررسی نقش نور در تبیین توالی فضا در معماری اسلامی (نمونه موردی: مسجد شیخ لطف الله)، مجله معماری و شهرسازی اسلامی.

۴. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۷۲) هدایت در قرآن، تهران، مرکز نشر فرهنگی رجأ.

۵. سهروردی، شهاب الدین(۱۳۷۵) مجموعه مصنفات، جلد دوم، تصحیح هانری کربن، سیدحسین نصر،

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-19]

نجفقلـی حبیبـی. چـاپ دوم. تهـران، پژوهشـگاه علوم انسـانی و مطالعـات فرهنگی.
۶. سـهروردی، شـهاب‌الدین(۱۳۸۳) حکمه الاشراق، به اهتمـام عبدالله نورانـی و مهدی محقق، تهـران، انجمن آثـار و مفاخر فرهنگی.
۷. الشـیرازی (صـدر المتألهیـن)، صدرالدیـن (۱۳۸۶) تفسـیر القـرآن الکریم، تصحیـح: محمد خواجـوی، قم، انشـارات بیدار.
۸. طباطبایـی، سـید محمـد حسـین (۱۳۷۰) تفسـیر المیـزان، جلـد پانزدهـم، چـاپ پنجـم، قم، نشـر بنیاد علمـی و فکـری علامـه طباطبایـی.
۹. کشـمیری، هادی و نوشـادی، زهره و عباسـی، منیژه (۱۳۹۲) بررسـی فیزیـک و مفاهیـم معنـوی نـور در معمـاری سـنتی ایـران (بـا نگاهـی بـه مسـاجد و خانه هـا)، همایـش معمـاری پایدار و توسـعه شـهری.
۱۰. لاهـوری، اقبـال(۱۳۸۰) سـیر فلسـفه در ایـران، ترجمـه امیرحسـین آریان‌پـور، تهـران، نـگاه.
۱۱. نصـر، سـید حسـین(۱۳۸۹) هنـر و معنویـت اسـلامی، ترجمـه رحیـم قاسـمیان، چـاپ اول، تهران، انتشـارات حکمـت.
۱۲. نصیـری دهقـان، مهـدی(۱۳۹۱) راز عـدد هفـت، تهـران، انتشـارات ابتـکار دانـش.
۱۳. نوربـرگ شـولتز، کریسـتین (۱۳۸۸) روح مـکان، ترجمـه محمدرضـا شـیرازی، تهـران، انتشـارات رخداد نو .
۱۴. وفایـی، عباسـعلی و نزهـت، بهمـن (۱۳۸۸) در پرتـو انـوار معنـوی (تحلیلی از سـاختار تجربـه عرفانی عرفـا در بـاب نماد نـور)، مجلـه ادبیات عرفانی، شـماره اول، تهـران، دانشـگاه الزهرا.
۱۵. یـزدان پنـاه، یـدالله(۱۳۸۸) مبانـی و اصـول عرفـان نظـری، قم، مؤسسـه آموزشـی و پژوهشـی امام خمینـی(ره).

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-19]

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-19]